

دیدار داوران و کارشناسان کتاب‌های آموزشی
علوم پایه با ناشران آموزشی



به دانش آموزان یاد بدهیم چگونه یاد بگیرند!

محمددشتی

جلسه: ما امروز با شما مهمانان عزیز در خصوص چگونگی و نحوه ارزیابی کتاب‌های آموزشی در گروه علوم پایه و خصوصاً کتاب‌های ریاضی، فیزیک، زیست‌شناسی و علوم تجربی در دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی گفت‌وگو خواهیم کرد و فرایند بررسی کتاب‌ها و نحوه ارزیابی و ملاک‌های داوری را توضیح خواهیم داد. ابتدا من از همکارانم درخواست می‌کنم توضیحات کوتاهی را خدمت شما عزیزان ارائه کنند و در ادامه اگر پرسشی باشد، پاسخ‌گو خواهیم بود.

احمد احمدی (کارشناس فیزیک): شاید مهم‌ترین سؤالی که همه برنامه‌ریزان درسی کشورهای مختلف و همه آنانی که در این عرصه کار می‌کنند، از خود می‌پرسند این باشد که نیازهای دانش‌آموزان ما به‌عنوان شهروندان جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم چیست. امروزه تشخیص دقیق نیازهای دانش‌آموزان با توجه به تغییرات وسیع و سریعی که در حال انجام است، عملاً امکان‌پذیر نیست و اگر چنین فرضی درست باشد، نمی‌توانیم نیازهای دانش‌آموزان را در علوم پایه نیز به‌درستی تشخیص دهیم. به همین دلیل برنامه‌ریزان درسی تلاش می‌کنند در برنامه‌های خود به این تغییرات توجه کنند تا همخوانی لازم بین نیازهای روز دانش‌آموز و منابعی که تهیه

گفت‌وگو و تبادل نظر میان پدیدآورندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی از یک‌سو و داوران و گروه‌های ارزیاب کتاب‌های آموزشی از سوی دیگر، برای هر دو گروه مفید است. گروه نخست با نگاه حاکم بر معیارها و شاخص‌های ارزیابی و داوری کتاب‌های آموزشی آشنا می‌شوند و گروه دوم نیز از نزدیک در جریان دغدغه‌ها و ابهامات احتمالی ناشران و مؤلفان آموزشی و دیگر علاقه‌مندان این حوزه قرار می‌گیرند.

نشست «استانداردها و باید و نبایدهای تألیف کتاب‌های آموزشی علوم پایه» که روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه سال جاری در سالن نشست‌های علمی - آموزشی ناشران آموزشی بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد، پاسخی به این نیاز دوسویه بود.

در این نشست دکتر خسرو داودی کارشناس ریاضی، احمد احمدی کارشناس فیزیک، مریم انصاری کارشناس زیست‌شناسی، بتول فرنوش، کارشناس علوم تجربی و فریبا کیا معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و جمعی از مؤلفان، ناشران و معلمان علاقه‌مند حضور داشتند. آنچه می‌خوانید گزارشی خلاصه شده از این نشست است.

خسرو داودی (کارشناس ریاضی و مسئول اداره

و ارائه می‌شود حفظ شود. معنی این حرف این است که تنها برنامه ثابتی که وجود دارد، تغییر است و ما باید دانش‌آموزان را برای این شرایط دائماً در حال تغییر آماده کنیم. پس دانش پایه، باید با اصول در حال تغییر هماهنگ شود تا این آموزش‌ها بتواند عملاً مورد استفاده دانش‌آموز قرار گیرد. به‌طور مثال، تغییراتی که در سال‌های اخیر در تکنولوژی‌های ارتباطی اتفاق افتاده است، خیلی از نیازها و ضرورت‌های پیش رو را تغییر داده است؛ یعنی اگر دانش‌آموز ما امروز بخواهد در مورد تعمیر تلویزیون‌های لامپی آموزش ببیند، این آموزش عملاً به‌کار او نخواهد آمد؛ زیرا ساخت این تلویزیون‌ها دارد از دستور کار کارخانه‌های سازنده خارج و تکنولوژی‌های جدیدتر و پیشرفته‌تر مبتنی بر فناوری‌های نو جایگزین آن می‌شود. بنابراین آن چیزی که در مورد آموزش‌های علوم پایه و به‌خصوص در مورد درسی مثل فیزیک باید مورد توجه قرار گیرد همین تغییرات بسیار سریعی است که دارد در جهان اتفاق می‌افتد و اگر افراد، حتی کارشناسان ماهر قبلی، در زمینه وسایل و تجهیزات جدید آموزش نیندند، عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند. پس این موضوع خیلی مهم است که ما و همه کسانی که سهمی در آموزش این شهروندان آینده دارند، به‌گونه‌ای حرکت کنیم که آموزش‌های ارائه شده، مفید و مؤثر و مطابق با نیازهای این نسل باشد. این موضوع هم درباره کتاب‌های درسی و هم کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی و در همه حوزه‌های آموزشی و تربیتی صدق می‌کند.

ما باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که دانش‌آموزان ما، در برخورد با یک مسئله جدی، بتوانند فرایندی را طی کنند که به حل مسئله دست یابند؛ به عبارتی دیگر آنان «یاد بگیرند که چگونه یاد بگیرند». در این ارتباط فعالیت‌های کمک‌آموزشی می‌توانند به کمک کتاب‌های درسی بیایند و به دانش‌آموز کمک کنند که در تولید مفهوم فعال باشد؛ آن وقت آن کتاب‌ها و مجموعه‌های آموزشی هم در خدمت همین هدف یادگیری چگونه یادگرفتن قرار خواهد گرفت. شاخص‌هایی که ما در ارزیابی کتاب‌های آموزشی مورد نظر قرار می‌دهیم، در راستای همین هدف است. به‌طور مثال یک سؤال اساسی در ارزیابی کتاب‌ها این است که کتاب چقدر دانش‌آموز را وادار به تفکر می‌کند و چقدر به او کمک می‌کند تا در فرایند آموزش به‌طور فعال‌تری ظاهر شود.

خانم فنوش (کارشناس علوم تجربی): شاید ما با کتاب‌های دانشی مشکل زیادی نداشته باشیم؛ در این کتاب‌ها حساسیت‌ها، بیشتر روی این است که مطلبی نادرست و غلط در کتاب نوشته نشده باشد. بیشترین مسئله و سخت‌ترین بخش ارزشیابی در مورد کتاب‌های کار است که معمولاً درصد زیادی از آن‌ها در چارچوب اهداف کتاب‌های درسی نمی‌گنجند. این مهم است که سؤالات مطرح شده که سؤال‌های دانشی محض نباشد، در محدوده نگرش‌ها وارد شود و فراگیر را برای فهم مطلب دچار چالش کند و به تکاپو وادارد. البته در سال‌های اخیر تحولات مثبتی در تألیف کتاب‌های کار از سوی نویسندگان لحاظ شده است، ولی باز هم جو غالب با سؤالات و آموزه‌های دانشی است و در زمینه مهارت‌ها و نگرش‌ها معمولاً

سؤالات کمتری مطرح می‌شود.

خانم انصاری (کارشناس زیست‌شناسی): همه سعی و تلاشی که در حوزه آموزش انجام می‌شود، به این دلیل است که ما بچه‌ها را به یادگیری علاقه‌مند کنیم. کتاب درسی و مدرسه آغاز یادگیری است؛ بنابراین انتظار می‌رود کتاب‌های

کمک‌آموزشی هم با این هدف نوشته شوند و به گسترش یادگیری کمک برسانند. صحبت‌های خانم فنوش در حوزه کتاب‌های زیست‌شناسی متوسطه هم صادق است که کتاب‌های کار آن‌گونه که باید و شاید، در خدمت فرایند یادگیری قرار نمی‌گیرند و کمتر گسترش دانش و بینش و مهارت دانش‌آموز را پی می‌گیرند. در دوره متوسطه، خصوصاً این کتاب‌ها بیشتر با هدف آمادگی در کنکور و آزمون دانشگاه‌ها تدوین می‌شوند و در دوره‌های پایین‌تر بیشتر به کار آمادگی و قبولی در مدارس مختلف می‌آیند و عملاً کمک زیادی به یادگیری و تعمیق آن نمی‌کنند.

شک نیست که این آزمون‌ها، هم به‌عنوان یک واقعیت وجود دارند و بچه‌ها باید برای ورود به این مدارس و یا دانشگاه آماده شوند؛ اما همه کار ما و ناشران و مؤلفانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، نباید معطوف به این موضوع باشد؛ زیرا هدف از خواندن کتاب فقط این نیست که بچه‌ها بتوانند یک آزمونی را از سر بگذرانند و هیچ نوع مهارت و دانش و اندوخته‌ای را فرا نگیرند. وقتی ما همه‌چیز را حاضر و آماده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم، طبیعی است که کتاب از اهداف و مقاصد سازنده‌ای که باید برای آن نوشته شده باشند، خالی می‌شوند و عملاً انحرافی را در مسیر آموزش سازنده و مؤثر فراگیران پدید می‌آورند که باید سخت مراقب آن باشیم و گرنه تبعات منفی آن دامنگیر فرزندانمان خواهد شد.

اگر ما پاسخی را که دانش‌آموز باید با کوشش به آن برسد، حاضر و آماده و در مقابل گرفتن مبلغی در اختیار او بگذاریم، دیگر رغبتی برای خواندن و فهمیدن و حل مسئله نخواهد داشت و این کار عملاً همه نقشه‌ها و برنامه‌های معلم و مدرسه و آموزش و پرورش را خنثی و بی‌اثر خواهد کرد.

خسرو داودی: سرکار خانم انصاری به جنبه‌های انگیزشی کتاب‌های آموزشی اشاره کردند و تأکید کردند که جنبه‌های انگیزشی کتاب‌های آموزشی بسیار مهم است. این جنبه‌های انگیزشی باعث جذب دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه بیشتر برای بهتر خواندن و خوب فهمیدن خواهد بود و باعث خواهد شد متون درسی و آموزشی هم بهتر و عمیق‌تر درک و فهمیده شود. صحبت ایشان این نیست که ما نباید هیچ کتاب کار یا کتاب تمرینی بنویسیم؛

احمد احمدی: ما باید

دانش‌آموزان را برای

این شرایط دائماً در حال

تغییر آماده کنیم. پس

دانش پایه، باید با اصول

در حال تغییر هماهنگ

شود تا این آموزش‌ها

بتواند عملاً مورد استفاده

دانش‌آموز قرار گیرد

خانم فنوش: بیشترین

مسئله و سخت‌ترین

بخش ارزشیابی در مورد

کتاب‌های کار است که

معمولاً درصد زیادی

از آن‌ها در چارچوب

اهداف کتاب‌های درسی

نمی‌گنجند

تأکید خانم انصاری بر رعایت تناسب ترکیب این کتاب‌هاست که هر کدام می‌تواند در جای خود مهم و با ارزش باشد. کما این که در حال حاضر هم بسیاری از این کتاب‌ها که شرایط لازم را دارند، به‌عنوان کتاب‌های مناسب معرفی و تأیید می‌شوند و به جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد هم راه می‌یابند و می‌توان گفت خوش‌بختانه روزه‌روز کیفیت آن‌ها هم افزایش یافته است.

خانم انصاری: کتاب درسی و مدرسه آغاز یادگیری است؛ بنابراین انتظار می‌رود کتاب‌های کمک آموزشی هم با این هدف نوشته شوند و به گسترش یادگیری کمک برسانند

وحید تمنا (مدیر انتشارات مشاوران آموزش): ابتدا پیشنهاد من این است که کتاب‌هایی که به دبیرخانه طرح سامان‌دهی می‌رسند، رد یا تأیید نشود؛ بلکه براساس محتوا و کیفیتی که دارد، درجه‌بندی شود. همچنین پیشنهاد می‌کنم کارگاه‌هایی از سوی آموزش و پرورش و دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی برگزار شود تا نویسندگان کتاب‌های آموزشی بهتر و بیشتر در جریان ملاک‌ها و استانداردهای نوشتن کتاب‌های آموزشی (آن‌گونه که

آموزش و پرورش می‌گوید) قرار گیرند.

یک سؤال هم برای من مطرح است. وقتی در جامعه و در مدارس ما به دلایل گوناگون، مثلاً برخی معلمانی که قادر نیستند به همه سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهند، واقعیتی به‌عنوان نیاز به کتاب‌های پاسخ به سؤالات وجود دارد. ما می‌خواهیم با نگاهی آرمان‌گرایانه صورت مسئله تقاضا برای این کتاب‌ها را پاک کنیم و در حالی که این کتاب‌ها در جامعه فروش دارد، جلو چاپ آن‌ها را بگیریم. بهتر نیست که این کتاب‌ها هم باشند و ما در عین حال کتاب‌های به اصطلاح استاندارد را هم معرفی کنیم و اجازه بدهیم تا بازار عرضه و تقاضا کار خودش را بکند.

خسرو داودی: آقای تمنا صحبتی در مورد رده‌بندی کتاب‌ها مطرح کردند که این کار در حال حاضر هم صورت می‌گیرد. ضمناً برخی دوستان حاضر می‌گویند که چرا جلسه به‌صورت سؤال و جواب اداره نمی‌شود؟ من گفتم که پس از صحبت‌های ابتدایی همکاران، در ادامه جلسه، شنوای صحبت دوستان هستیم.

آقای فیاض: گاهی گفته می‌شود چون کتابی، به نیاز خاصی از دانش‌آموز (کنکور) پاسخ می‌دهد، به همین دلیل تأیید نمی‌شود. سؤال من این است که مگر ناشر و مؤلف این نیاز را برای دانش‌آموز تعیین کرده‌اند که شما بر این کار ایراد می‌گیرید. وقتی نیازی وجود دارد، اشکال پاسخ به این نیاز در چیست؟ اگر شما می‌خواهید تولید تغییر کند، باید سیستم ارزشیابی و کنکور و آزمون‌های خودتان را در آموزش و پرورش و آموزش عالی تغییر دهید تا این تولیدات هم مسیر خودشان را پیدا کنند.

محمد خندان (از انتشارات قلمچی): به نظر من باید شما به

کسانی که می‌توانند کتاب بنویسند اجازه بدهید، بنویسند و بعد ببینید مخاطب کدام کتاب را می‌پسندد. وقتی دانش‌آموز ملزم است که کنکور بدهد، چه شما تأیید کنید و چه تأیید نکنید، او کتابی را که برای کنکور کمکش کند، انتخاب خواهد کرد. پس باید به واقعیت‌ها هم توجه داشته باشیم.

خانم پورحسین (از انتشارات گلوژه): امسال چندین کتاب از انتشاراتی ما به‌عنوان کتاب مناسب انتخاب شده بود؛ ولی درجه‌های این کتاب‌ها اعلام نشده بود؛ ما برای دانستن درجه هر کتاب باید مراجعه و فرم مربوطه را بررسی می‌کردیم. موضوع بعد این است که برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان هم مهم است؛ چون اگر آموزش ندیده باشند، معلوم نیست بتوانند روشی را که مورد نظر شماست، به‌خوبی آموزش دهند. حالا همین موضوع به طریق اولی در مورد مؤلفان آموزشی هم مطرح است و برای ایجاد وحدت رویه نیاز به آموزش دارند. ضمناً به‌نظر می‌رسد فرایند ارزیابی کتاب‌های آموزشی، خیلی وابسته به نگاه و نظر شخصی داوران است که این موضوع با تغییر ارزیابان، در سال‌های مختلف، اثرات متفاوتی در ارزیابی کتاب‌ها دارد و به نظر من این موضوع هم قابل بررسی است.

آقای توانا: من دوست دارم موضوعی را مطرح کنم و دوستان ما در بخش‌های تألیف کتاب‌های درسی و ارزیابی کتاب‌های آموزشی به خودشان پاسخ دهند. ما ناشران اگر اشتباه یا غلطی در کتاب‌هایمان داشته باشیم، با نخریدن کتاب توسط مشتری یا مؤلفان با نگرفتن حق‌الزحمه تألیف جریمه می‌شویم؛ آیا در صورت اشتباه در کار شما، چنین جریمه‌ای هست تا ما مطمئن شویم که همه تلاش و کوشش برای نوشتن بهترین متون (در کتاب‌های درسی) که ما را ملزم به پیروی از آن می‌کنید، صرف شده است.

آقای تهامی (از انتشارات فردین): ما در کتابی که تألیف کرده‌ایم، پاسخ‌نامه‌ای قرار داده‌ایم که به‌دلیل داشتن پاسخ از سوی ارزیاب و داور مربوطه رد شده است؛ در حالی که ما از آن دفاع می‌کنیم و برای این کار دلیل و منطق داریم و می‌توانیم در مورد آن با هم بحث و گفت‌وگو کنیم. باید مسیری تعیین شود تا این‌گونه مسائل قابل بررسی و رسیدگی باشد.

خسرو داودی: چون نوع سؤالاتی که پرسیده شد، خیلی متنوع و متفاوت بود و برخی از آن‌ها به سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش و طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی برمی‌گردد، عملاً قابل پاسخ‌گویی از سوی بنده و همکارانم که مسئولیت مشخصی در خصوص ارزیابی و داور بودن برخی دروس را داریم، نیست. امیدوارم با توجه به اتمام وقت جلسه، در برنامه‌هایی که در همین خصوص با حضور ناشران محترم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار خواهد شد، پاسخ داده شود. ضمناً بعد از این جلسه همکاران ما و از جمله سرکار خانم کیا به‌عنوان مسئول طرح سامان‌دهی در غرفه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی حضور دارند و در صورت مراجعه دوستان پاسخگوی این سؤالات خواهند بود.

خسرو داودی: جنبه‌های انگیزشی باعث جذب دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه بیشتر برای بهتر خواندن و خوب فهمیدن خواهد بود و باعث خواهد شد متون درسی و آموزشی هم بهتر و عمیق‌تر درک و فهمیده شود



نشست ارزیابان کتاب‌های علوم پایه در یک نگاه

- تعداد شرکت‌کنندگان: ۴۰ نفر
- بیشترین شرکت‌کننده: انتشارات خیلی سبز با ۹ میهمان
- تعداد برگه‌های تکمیل شده: ۲۲ برگه

چکیده نتایج نظرسنجی نشست

میزان موفقیت نشست در تبیین اهداف و رویکردهای درس زبان‌آموزی: خیلی زیاد (۲)، زیاد (۲)، متوسط (۱۱)، کم (۳)، خیلی کم (۳). (۳) نیمی از حاضران موفقیت نشست را متوسط و ۲۷ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان موفقیت در رفع ابهامات و پاسخ به پرسش‌ها: خیلی زیاد (۳)، زیاد (۴)، متوسط (۶)، کم (۷)، خیلی کم (۲). ۴۱ درصد از مخاطبان موفقیت نشست را کم یا خیلی کم و ۳۲ درصد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند.

میزان علاقه‌مندی برای تداوم نشست در زمان‌های دیگر: خیلی زیاد (۹)، زیاد (۸)، متوسط (۲)، کم (۰)، خیلی کم (۲). ۱۷ نفر از حاضران (۷۷ درصد) ضرورت تداوم نشست‌ها را در حد خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند.

درباره شیوه مطلوب برگزاری جلسات: پرسش و پاسخ (۱۰ نفر)، میزگرد (۱۲)، سخنرانی (۰). ۱۲ نفر (۵۴/۵ درصد)

خواهان برگزاری نشست به صورت میزگرد بوده‌اند؛ اما ۱۰ نفر (۴۵/۵ درصد) از نظر شکل ارائه، بر همان شیوه ارائه شده انگشت گذاشته‌اند.

درباره فاصله زمانی مطلوب نشست‌های احتمالی مشابه: دو ماه یک‌بار (۴)، سه ماه یک‌بار (۱۶)، سالی یک‌بار (۲). ۱۶ نفر از حاضران (۷۳٪) مایل‌اند این جلسات سه ماه یک‌بار برگزار شود. ۴ نفر (۱۸٪) دوست دارند نشست‌ها دو ماه یک‌بار باشد و ۲ نفر (۹٪) هم سالی یک‌بار را کافی می‌دانند.

ارزیابی کلی از میزان موفقیت نشست: خیلی زیاد (۰)، زیاد (۱)، متوسط (۱۳)، کم (۲)، خیلی کم (۳)، بدون پاسخ (۳). ۱۳ نفر (۶۰٪) از نشست رضایت متوسط داشته‌اند. ۵ نفر کم و خیلی کم راضی بوده‌اند و یک نفر رضایت زیاد داشته است.

نقطه قوت

منجر به تعامل بیشتر ناشران و دفتر تالیف کتاب‌های درسی و در نهایت کمک به آموزش کشور می‌شود.

نقاط ضعف

پراکندگی پرسش‌ها، مناسب نبودن فضای فیزیکی برای گفت‌وگو از جمله سر و صدای زیاد، حرف‌های کلی و عدم دسته‌بندی مناسب موضوعات مطرح شده، انتقادناپذیر بودن مجری محترم، وقت ناکافی، ندادن راهکار مشخص / عدم تفکیک موضوعات از هم.